

باسمه تعالی

شرح دعای روز چهارم ماه رمضان از آیت الله مجتهدی

متن و ترجمه دعای روز چهارم ماه مبارک رمضان:

اللَّهُمَّ قَوِّنِي فِيهِ عَلَى إِقَامَةِ أَمْرِكَ وَادْفِنِي فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ وَأَوْزِعْنِي فِيهِ لِأَدَاءِ شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ وَاحْفَظْنِي فِيهِ بِحِفْظِكَ وَسِتْرِكَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ.^۱

خدایا مرا در این روز برای اقامه و انجام فرمانت قوت بخش و حلاوت و شیرینی ذکرت را به من بچشان و برای ادای شکر خود به کرمت مهیا ساز و در این روز به حفظ و پرده پوشی مرا از گناه محفوظ دار، ای بصیرترین بینایان عالم.

۱. اللَّهُمَّ قَوِّنِي فِيهِ عَلَى إِقَامَةِ أَمْرِكَ؛ خدایا به من قوت بده که در ماه رمضان خوب عبادت کنم و امر تو را اطاعت کنم؛ نباید فراموش کرد قوت عبادت غیر از قوت بازو است.^۲

حکایت:

سال‌ها پیش در مشهد پیرمردی بود بالای صدسال عمر داشت؛ ولی نمازهایش را ایستاده می‌خواند! همان پیرمرد یک بار سبک را به زور برمی‌داشت؛ بنابراین قوت عبادت غیر از قوت بدن است.

توان امیرالمؤمنین علیه السلام الهی بود:

امیرالمؤمنین نان خشک را نمی‌توانست بشکند، ولی قلعه خیر را فتح کردند و آن رشادت‌ها را آفریدند و یاران ایشان گفتند: شما با این شجاعت و... چطور نان خشک را نمی‌توانید بشکنید، حضرت فرمودند: آن به قوه روحانی بود و این به قوه جسمانی است.^۳

^۱ البلد الامین والدرع الحصین، ص: ۲۱۹؛ در بعض مجامع روایی بجای «أبصر الناظرین» عبارت «یا خیر الناظرین» آمده مراجعه شود به «اقبال الاعمال، ج ۱، ص: ۲۵۷»

^۲ جلال الدین محمد بلخی (ره) در کتاب مثنوی معنوی گفته است:

قوت جبریل از مطبخ نبود * بود از دیدار خلاق وجود

همچنان این قوت ابدال حق * هم ز حق دان نه از طعام و از طبق

^۳ «بحار الأنوار، ج: ۲۱، ص: ۲۶»

لی، [الأمالی للصدوق] الدَّقَاقُ عَنِ الصُّوفِيِّ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْحَبَالِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْحَسَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَحْضَنِ بْنِ ابْنِ ظَبْيَانَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ [عليهم السلام] أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ [عليه السلام] قَالَ فِي رِسَالَتِهِ إِلَى سَهْلِ بْنِ حَنْتَيْفٍ رَجَمَهُ اللَّهُ وَاللَّهُ مَا قَلَعَتْ بَابَ خَيْرٍ وَرَمَيْتُ بِهِ خَلْفَ ظَهْرِي أَرْبَعِينَ ذِرَاعًا بِقُوَّةِ جَسَدِيَّةٍ وَلَا حَرَكَةَ عَدَائِيَّةٍ لِكَيْ أَبْدُتُ بِقُوَّةِ مَلَكُوتِيَّةٍ وَنَفْسِي بِنُورِ رَبِّيها مُضِيئَةٍ وَأَنَا مِنْ أَحْمَدِ كَالضُّوءِ مِنَ الضُّوءِ وَاللَّهُ لَوْ تَطَاهَرَتِ الْعَرَبُ عَلَى قِتَالِي لَمَا وَلَّيْتُ وَلَوْ أَمَكَنْتَنِي الْفُرْصَةَ مِنْ رِقَابِهَا لَمَا بَقَيْتُ وَمَنْ لَمْ يُبَالِ مَتَى حَتَفَهُ عَلَيْهِ سَاقِطُ فَجَنَانِهِ فِي الْمُلِمَاتِ رَاطِطُ

لذا این دو قوه با هم دیگر تفاوت دارد، پس ممکن است شخصی شصت ساله باشد، ولی قوت عبادت او از جوانان بیشتر باشد؛ لذا در ماه رمضان از خدا درخواست کنید که قوه عبادت به شما بدهد. در دعای کمیل هم این دعا از خدا خواسته می شود که «قَوِّ عَلَيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي»^۴

چرا خیروبرکت کم شده است

در قدیم پدران ما دو ساعت به اذان برای عبادت در اتاق خلوت می کردند و یک ساعت بعد از آفتاب از خلوتگاه خود بیرون می آمدند و دنبال کسب و کار می رفتند؛ تاجرهای ما هم این طوری بودند! دعا می خواندند؛ زیارت عاشورا می خواندند و... بعد به محل کسب می رفتند؛ ولی الان چه...؟! لذا خیروبرکت هم کم شده است.

۲. وَ أَذْفِنِي فِيهِ حَلَاوَةً ذِكْرِكُ؛ خدایا در این ماه رمضان یک درخواست دیگر هم از تو دارم و آن این است که حلاوت و شیرینی یاد خودت را به من بچسانی؛

که اگر این طور شد؛ دعای کمیل خواندن هم مزه پیدا می کند؛ دعای ابوحزمه خواندن هم مزه پیدا می کند؛ دعای افتتاح مزه می کند؛ روزه ماه مبارک رمضان مزه می کند و... بدانیم که عبادت هم مزه دارد.

در روایت وارد شده است اگر عالمی به علمش عمل نکند کمترین عذابی که خدا برای او در نظر می گیرد این است که حلاوت و شیرینی مناجات با خدا از او گرفته می شود «إِنَّ أَدْنَى مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزِعَ حَلَاوَةَ مُنَاجَاتِي عَنْ قُلُوبِهِمْ»^۵ پس دعا و عبادت مزه دارد.

۳. وَ أَوْزِعْنِي فِيهِ لِأَدَاءِ شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ؛ خدایا به کرمت به من توفیق اداء شکر را بده

شکر به چه معنا است آیا صرف گفتن «الهی شکر» گفتن است؟ تشکر از خداوند است؟

نه؟! شکر یعنی اینکه نعمتهایی که خداوند تبارک و تعالی به من داده است را درست و بجا مصرف کنم؛ اینکه چشم به نامحرم نگاه نکنند شکر چشم است؛ اگر گوش از آواز حرام و غیبت دوری بکنند، شکر گوش سالم است؛ زبان هم اگر غیبت نکند شکر زبان کرده ام.

خدایا به من توفیق بده شکر تو را بجا آورم

^۴ «اقبال الاعمال، ص ۷۰۹؛ مفاتیح الجنان؛ دعای کمیل»

^۵ «کافی، ج ۱، ص ۴۶»

عَلَيْ بِنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ عَنِ الْمُتَقَرِّي عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ [عليه السلام] قَالَ إِذَا رَأَيْتُمْ الْعَالِمَ مُجِبًا لِدُنْيَاهُ فَاتَّهَمُوهُ عَلَى دِينِكُمْ فَإِنَّ كُلَّ مُجِبٍّ لِبَيْتِي ۚ يَحُوطُ مَا أَحَبَّ وَ قَالَ [صلى الله عليه وآله وسلم] أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ [عليه السلام] لَا تَجْعَلْ بَيْتِي وَ تَيْبَتِكَ عَالِمًا مَفْتُونًا بِالدُّنْيَا فَيُضِدَّكَ عَنْ طَرِيقِ مَحَبَّتِي فَإِنَّ أَوْلَيْكَ فُطَاعُ طَرِيقِ عِبَادِي الْمُرِيدِينَ إِنَّ أَدْنَى مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزِعَ حَلَاوَةَ مُنَاجَاتِي عَنْ قُلُوبِهِمْ.

شعر:

شکر نعمت افزون کند * کفر نعمت از کفت بیرون کند

۴. وَ أَحْفَظْنِي فِيهِ بِحِفْظِكَ وَ سِتْرِكَ؛ خدایا در روز چهارم ماه رمضان من را از گناه حفظ کن و توفیق ترک گناه بده

تو ستارالعیوب هستی من را حفظم کن تا کسی از گناهان من باخبر نشود.

خدا را شکر کنیم که گناه بو ندارد:

در روایت آمده است؛ اگر گناه بو داشت، هیچ دونفری پهلوی هم نمی‌نشستند «لَوْ تَكَاشَفْتُمْ مَا تَدَافَنْتُمْ»^۶ اگر از گناهان هم خبر داشتید هیچ کس جنازه دیگری را دفن نمی‌کرد؟! باید خدا را شکر کنیم که گناه بو ندارد.

البته اولیای الهی بوی بد گناه را متوجه می‌شوند؛ امثال شیخ رجب علی خیاطها متوجه بوی گناه می‌شدند؛ لذا گناه بو دارد؛ ایمان هم بو دارد.

حکایت:

اویس به دیدن پیامبر خدا آمد، ولی ایشان تشریف نداشتند و به خاطر قولی که به مادر داده بود منتظر رسول‌الله نماند و به یمن برگشت، وقتی رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله و سلم) وارد منزل شدند؛ فرمودند بوی اویس به مشامم می‌رسد «إِنِّي لَأَجِدُ نَفْسَ الرَّحْمَنِ مِنْ جَانِبِ الْيَمَنِ»^۷ بوی ایمان اویس منزل رسول‌الله را معطر کرده بود.^۸

^۶ «بحارالأنوار، ج: ۷۴، ص: ۳۸۵»

[عیون أخبار الرضا علیه السلام] لی، [الأمالی للصدوق] عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ الصُّوفِيِّ عَنْ عُتْبِيدِ اللَّهِ مَوْسَى الرُّوْيَانِيِّ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الرِّضَا [عليه السلام] يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ حَدِّثْنِي بِحَدِيثٍ عَنْ آبَائِكَ [عليهم السلام] فَقَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ آبَائِهِ [عليهم السلام] قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ [عليه السلام] لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا تَقَاوَنُوا فَإِذَا اسْتَوَوْا هَلَكُوا قَالَ قُلْتُ لَهُ زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ آبَائِهِ [عليهم السلام] قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ [عليه السلام] لَوْ تَكَاشَفْتُمْ مَا تَدَافَنْتُمْ.

^۷ مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ۱، ص ۱۵۴: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ [صلی‌الله علیه وآله وسلم] قَالَ إِنِّي لَأَجِدُ نَفْسَ الرَّحْمَنِ مِنْ جَانِبِ الْيَمَنِ»
^۸ اویس قرن یکی از زهاد ثمانیه است که شبی را به رکوع و شبی را به سجده می‌گذرانید. آن قدر تابش نور حقیقت در دل او اثر گذارده بود که با آنکه خدمت رسول‌الله نرسیده بود چنان اتصال باطنی داشت که وقتی که دندان پیامبر در احد شکست، دندان او در وطن خود شکست.

شغلش شترچرانی بود و ارتزاقش از آن بود. مادری داشت که بسیار به او علاقه‌مند بود. از مادر اجازه خواست که رخصتش دهد تا به خدمت رسول‌الله برسد. مادر نیم روز به او اجازه داد که در مدینه خدمت پیغمبر برسد و زیاده توقّف نکند، و اگر پیغمبر در مدینه نبود مراجعت نماید. اویس به سوی مدینه آمد و از رسول‌الله تفحص کرد، گفتند پیغمبر در مدینه نیست. یکی دو ساعت توقّف نموده روی اطاعت امر مادر مراجعت کرد. چون حضرت به مدینه مراجعت کردند، فرمود: این نور کیست که در این خانه می‌نگرم؟! گفتند: شتریبانی که اویس نام داشت آمد و باز شتافت. حضرت فرمودند: در خانه ما نور خود را به هدیه گذاشت و رفت.

با بعضی انسان‌ها وقتی معاشرت می‌کنی بدون اینکه عطری زده باشد خوش بو هستند، برعکس بعض افراد هستند که عطر هم که می‌زنند بوی بدی می‌دهند، به‌خاطر اینکه ایمان و تقوای کاملی ندارد؛ نماز صبحش قضا شده؛ لذا بوی بدی می‌دهد. شیطان به‌صورت همچین آدمی بول می‌کند در حاشیه مفاتیح آمده است: هر شب سه بار فرشته و ملکی شما را برای نماز شب بیدار می‌کند؛ اگر بلند نشدی و اذان صبح گفته شد؛ شیطان خوشحال می‌شود که موفق به خواندن نماز شب نشده‌ای و بعد بر صورت این چنین شخصی بول می‌کند. لذا در قدیم صورت‌ها نورانی بود ولی الان صورتها تاریک و کدر است.^۹

۵. يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ

ای خدایی که از همه کسانی که نظر می‌کنند، تو بصیرتر هستی؛ ای خدایی که از همه بیناتر هستی به ما توفیق بده که ما در ماه رمضان گناه نکنیم به حفظ خودت و به ستر خودت.

در «بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۱۵۵؛ سفینة البحار، ج ۱، ص ۵۳»: چنین نقل شده است که رسول خدا می‌فرمود: بوهای خوش بهشت از جانب قرن به مشام می‌رسد. چقدر اشتیاق دیدار تو را دارم ای اویس! آگاه باشید: هر کس او را زیارت کرد سلام مرا به او برساند. سؤال شد ای رسول خدا مگر اویس قرن کیست؟ فرمود: شخصی است که اگر از شما پنهان بماند گویا کسی را گم نکرده‌اید و اگر در میان شما باشد چندان به او اعتنائی نمی‌کنید و بهاء نمی‌دهید. به‌واسطه شفاعت او در روز قیامت همانند تعداد افراد قبیله ربیعه و مضر به بهشت می‌روند. به من ایمان آورده است درحالی که مرا ندیده و در رکاب خلیفه من امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام در جنگ صفین به شهادت خواهد رسید.

«منیح: انوارالملکوت، ج ۲، ص ۲۶۳ الی ۲۶۴؛ علامه سید محمدحسین طهرانی»
^۹ «من لایحضره الفقیه، ترجمه غفاری، ج ۲، ص ۱۶۸»

علاء از محمد بن مسلم و او از یکی دو امام باقر یا صادق علیهماالسلام روایت کرده که فرمود: هیچ بنده‌ای نیست مگر اینکه در طول شب یک‌بار یا دو بار (فرشتگان) او را از خواب بیدار می‌کنند، اگر از بستر برخاست که توفیق نماز شب را یافته است، و اگر نه این بار شیطان بجای فرشتگان می‌آید، و در گوش او بول می‌کند، آیا ندیده‌اید که وقتی کسی صبح از خواب برمی‌خیزد اگر سحر به عبادت برنخاسته باشد چقدر افسرده و سنگین و تنبل و کسل است؟!!